

## فرهنگ سیاسی در ادبیات تمثیلی ایران و جهان

از صفحه ۸۵ تا ۱۱۵

سیده معصومه حسینی\*

تاریخ دریافت: ۹۳/۴/۱۰

دکتر محمدعلی فتح‌الهی\*\*

تاریخ پذیرش: ۹۳/۵/۲۸

### چکیده

این مقاله به معرفی مهم‌ترین آثار تمثیلی در ادبیات سیاسی ایران و جهان می‌پردازد و توضیح می‌دهد که قالب‌های ادبی همچون تمثیل چگونه مستعد طرح مضامین مهم در فرهنگ سیاسی هستند. دلایلی معنایی تمثیل بستر مناسبی برای بیان مولفه‌هایی از فرهنگ سیاسی است که زبان صریح، قدرت و امکان بازنمایی آن را ندارد. در ابتدای این نوشتار ضمن توجه به ابهامی که در معنای واژه تمثیل در ادب فارسی وجود دارد؛ به روشن کردن نسبت این مفهوم با سایر مفاهیم مرتبط پرداخته ایم. در ادامه این مقاله به ارایه روش‌شناسی کارآمد برای فهم هرچه بهتر تمثیل‌های سیاسی توجه شده است. در این نوشتار در مجموع بیش از بیست تمثیل از تمثیل‌های سیاسی ادبیات ایران و جهان با نگاهی تطبیقی مورد بررسی واقع شده است. مقاله با نگاهی اجمالی به مضامین رایج در ادبیات سیاسی ایران و جهان به پایان می‌رسد و بر آن است که در مقام مقایسه این مضامین به

\* دانشجوی دکتری علوم سیاسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تهران

Hosseini.masoome@yahoo.com

\*\* استادیار علوم سیاسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تهران

..... فرهنگ سیاسی در ادبیات تمثیلی ایران و جهان

طور چشمگیری مشابه یکدیگرند که قاعدتا ناشی از سیطره فرهنگ استبداد و فضای بسته سیاسی در بازگویی بی پرده معضلات سیاسی و همچنین یکسان بودن مشکلات بشری است.

**واژه های کلیدی:** ادبیات سیاسی، داستان های تمثیلی، فرهنگ سیاسی، پنهان نگاری.

### مقدمه

در طول تاریخ رایج‌ترین روش و صریح مضامین سیاسی برای حکما و نویسندگان با دشواری همراه بوده است. می‌توان گفت بیان نقد و اعتراض و یا آموزش سیاسی پیچیدگی و دشواری خاصی دارد که ناشی از سرشت پدیده‌های مرتبط با قدرت سیاسی است. محافظه‌کاری و احتیاط در مقابل سیطره استبداد حاکم، نویسندگان را به سمت استفاده از قالب‌های غیرمستقیم بیان سوق داده است. در این میان تمثیل به دلیل جذابیت فوق‌العاده و چندلایگی معنایی امکان‌ویژه‌ای در اختیار هنرمندان و حکیمانی قرار داده است که با مقاصد سیاسی دست به قلم شده‌اند. انتقاد از وضعیت موجود و آموزش و ارتقاء سطح فرهنگ سیاسی در میان دولتمردان و بویژه پادشاه مهم‌ترین بخش این مقاصد را تشکیل می‌دهد. در ادامه با نگاهی به تعریف فرهنگ سیاسی و توضیح معنای تمثیل، به بررسی مضامین سیاسی رایج در ادب تمثیلی ایران و جهان می‌پردازیم.

واژه تمثیل در ادبیات فارسی با وجود کثرت کاربرد و سابقه طولانی، واژه‌ای با دلالت‌های معنایی گسترده و تا حدی مبهم است. در نوشته‌های مختلف فارسی و عربی تمثیل را در معانی تشبیه مرکب، استعاره گسترده، سمبل، حکایت، مثل، قصه‌های رمزی و قصه‌های حیوانات به کار برده‌اند. تمثیل علاوه بر نوشته‌های ادبی در حوزه منطق و فقه نیز به کار می‌رود که نوعی از استدلال است و به آن قیاس نیز می‌گویند. در این نوع استدلال حکمی را که در مورد یک جزء ثابت است در مورد جزء دیگر نیز به سبب وجود شباهت و معنی مشترک بین دو جزء اثبات می‌کنند. (پورنامداریان، ۱۳۶۴: ۱۴۸) وجه اشتراک همه معانی ارائه شده در باره تمثیل وجود نوعی تشبیه و نیز دولایگی معنایی است.

با وجود ابهام درباره معنای دقیق تمثیل در ابتدای بحث لازم است در مورد معانی این واژه و واژه‌های مرتبط با آن توضیح بیشتری ارائه شود:

## تمثیل و تشبیه

در کتاب های بلاغت قدیم تمثیل عموماً شاخه ای از تشبیه به شمار رفته است. اغلب علمای بلاغت تمثیل را مترادف با تشبیه دانسته اند که وجه شبه آن از امور متعدد متنوع می شود. هرچند برخی نیز تمثیل را از زیر شاخه های استعاره و مجاز به شمار آورده اند. (شیری، ۱۳۸۹: ۳۴)

عبدالقاهر جرجانی تمثیل را از نوع تشبیهات مرکب می داند که وجه شبه آن عقلی است. به نظر او از جمله ویژگی هایی تشبیه تمثیل که آن را از سایر انواع تشبیه جدا می کند طولانی بودن تشبیه تمثیل است که در کمتر از یک یا چند جمله شکل نمی گیرد و جملات آن را نیز نمی توان حذف و از یکدیگر جدا کرد. (شیری، ۱۳۸۹: ۳۵) سکاکی نیز بر آن است که: «تمثیل تشبیهی است که وجه شبه آن صفتی غیر حقیقی متنوع از امور متعدد باشد». (فتوحی، ۱۳۸۴: ۱۳-۱۲)

از متاخرین، شفیعی کدکنی درباره تمثیل اینگونه می نویسد: «با اینکه برای تمثیل در کتب بلاغت از قدیم ترین ایام چه به نام تمثیل و چه به نام های دیگر عنوانی خاص قایل شده اند و از آن سخن گفته اند اما حقیقت امر اینست که تمثیل شاخه ای از تشبیه است و از همین رهگذر است که عنوان تشبیه تمثیلی هم در کتابهای بلاغت فراوان دیده می شود.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۰: ۷۸) تقی پورنامداریان نیز در یک تعریف کلی تمثیل را نوعی از تشبیه می داند: «چنان که می بینیم تمثیل یا مثل در واقع همان تشبیه یا نوع خاصی از تشبیه است». (پورنامداریان، ۱۳۶۴: ۱۴۰) همچنین سیروس شمیسا تمثیل را حاصل ارتباط دو گانه بین مشبه و مشبه به می داند و می نویسد: «در تمثیل هم اصل بر این است که فقط مشبه به ذکر شود و از آن متوجه مشبه شویم (و بدین لحاظ فرنگیان به تمثیل Extended metaphor یعنی استعاره گسترده هم می گویند) اما گاهی ممکن است مشبه هم ذکر شود (مثل تشبیه تمثیل)... پس تمثیل بیان حکایت و روایتی است که هر چند معنای ظاهری دارد اما مراد گوینده معنای کلی تر دیگری است». (شمیسا، ۱۳۷۶: ۲۲۷)

## تمثیل و مثل

اصطلاح مثل در لسان اهل ادب عبارتست از تشبیه امری به امری یا چیزی به چیزی تا از آن فایده ای معنوی حاصل شود. کلمه مثل **mathal** در اکثر لغات سامی مانند حبشی، آرامی و عربی به‌اختلاف لهجات به همین معنی آمده است. (حکمت، ۱۳۶۱: ۱) در کتاب کاوشی در امثال و حکم فارسی آمده است: «تمثیلات و امثال مانند یکدیگرند با این تفاوت که در امثال گوینده به حیوانات و نباتات حتی جمادات شخصیت انسانی می‌دهد و به آنها کردار و گفتار ذوی العقول را نسبت می‌دهد. ولی وقوع آن در خارج گاهی امکان‌پذیر نیست. ولی در تمثیل موضوع سخن افراد انسانی هستند و گوینده از عالم انسانی مثال می‌آورد. پس تمثیل حکایتی است حقیقی و قابل وقوع که فرض حدوث آن ممکن است.» (برقعی، ۱۳۷۶: ۷) و نیز گفته شده: «سخنی که مشتمل بر صفت تمثیل است هرگاه بین عامه مردم و طبقاتی که اکثریت را تشکیل می‌دهند شایع و رایج شود جزء امثال سائره محسوب می‌شود.» (بهمنیار، ۱۳۶۹: مقدمه) مثل غالباً از اشیاء، جمادات، اشجار، حیوانات و مانند آن حکایت می‌کند و در آن ظاهراً حقیقتی نیست ولی درون آن معانی عالیه و تعالیم پر مغز نهفته است. در ادب فارسی از جمله معانی که برای واژه مثل به کار رفته «وصف الحال، حکایت، داستان، حدیث و قصه» (لغت نامه دهخدا، ذیل واژه مثل) است. چنانکه در این عبارات از کلیله و دمنه آمده است:

«رأی گفت برهمن را که: شنودم داستان دوستان موافق و مثل بذاذران مشفق اکنون اگر دست دهد باز گوید از جهت من مثل دشمنی که بدو فریفته نشاید گشت...»

«رأی گفت برهمن را: شنودم داستان کسی که بر مراد خود قادر گردد... اکنون بیان کند مثل آنکه در امضای عزایم تعجیل روا دارد...»

«رأی گفت شنودم مثل دشمن آزرده که دل بر استمالت او نیارآمد...» (نصرالله منشی، ۱۳۸۹: ۳۰۴، ۲۶۱، ۱۹۱)

## تمثیل و فابل (قصه های حیوانات)

از کلماتی که معمولاً به جای آن از کلمه تمثیل نیز استفاده می شود واژه فرانسوی فابل *fable* است. این نوع از قصه در ادب قدیم فارسی سابقه یی دراز دارد. کلیله و دمنه و مرزبان نامه مثال هایی مشهور در این زمینه اند. با این همه هنوز نام خاصی که مورد قبول و اتفاق اهل نظر باشد برای آن شناخته نیست. فابل اغلب قصه کوتاهی است درباره حیوانات که متضمن نتیجه ای اخلاقی است.

«قصه، داستان، مثل، افسانه تمثیلی، تمثیل و حکایت حیوانات» معادل های فارسی کلمه فابل محسوب می شود، دکتر علی اصغر حکمت درباره رابطه تمثیل و فابل می نویسد:

«اگر تشبیه و تمثیل با شرح و تفصیل و با فروع و زوائد چند بیان شود و بصورت حکایتی نسبتاً مفصل در آید آن نیز بر چند گونه است و هر کدام را نامی است به این قرار: هر گاه آن حکایت از زبان حیوانات و نباتات و احجار و امثال آن اخذ شود، که وقوع آن حکایت در خارج محال باشد آنرا به عربی تمثیل و یا مثل و به فرانسه *fable* گویند. هرگاه آن حکایت به صورت رمز و تعمیمه ادا گردد که از آن معنایی فلسفی یا عرفانی استخراج شود آنرا تمثیل رمزی و به فرانسه *Allegorie* نامند. (حکمت، ۱۳۶۱: ۴)

الگوری از نظر پورنامداریان داستان ها یا حکایاتی است که در آن ها غرض و مقصود اصلی گوینده از ایراد داستان به طور واضح بیان نشده است. (پورنامداریان، ۱۳۶۴: ۱۴۳)

شواهد متعدد از شاهنامه و کلیله و دمنه و کتابهای دیگر می توان نقل کرد که در آن داستان به معنی مثل و قصه کوتاه راجع به جانوران آمده است. چنان که افسانه نیز به معنی مثل ذکر شده است:

باری چو فسانه می شوی ای بخرد افسانه نیک شو نه افسانه بد  
در واقع این داستان ها خود یک فابل کامل اما کوتاه به شمار آمده اند. (زرین کوب، ۱۳۵۳: ۴۸۹)

برین بریکی داستان زد کسی کجا بهره بودش ز دانش بسی  
که خر شد که خواهد ز گاوان سرو به گاواره گم کرد گوش از دو سو

و:

و زان پس به بندوی و گسته‌م گفت      که بگشایم این داستان از نهفت  
که گر خر نیاید به نزدیک بار      تو بار گران سوی پشت خر آر

دکتر زرین کوب معتقد است که «فابل در زبان فارسی لغتی می‌خواهد که مصطلح شود و در انتخاب آن لغت اگر حاجت افتد که از زبان عامه نیز چیزی گرفته شود به گمان ما باک نیست» (زرین کوب، ۱۳۵۳: ۴۸۹)

### تمثیل و الگوری

الگوری از ریشه الگوریای یونانی به معنی طور دیگر سخن گفتن است. الگوری شیوه‌ای بیانی است که در آن یک شخص، یک عقیده مطلق یا یک واقعه هم نشان دهنده خودش است و هم نشان دهنده چیز دیگر. برخی از صاحب‌نظران ادبی معاصر بر آنند که واژه تمثیل می‌تواند جایگزین مناسبی برای اصطلاح الگوری فرنگی باشد: «تمثیل را در بلاغت معاصر - که نیازمند حوزه وسیعی از اصطلاحات است - می‌توان برای آنچه در بلاغت فرنگی allegory می‌خوانند به کار برد و آن بیشتر حوزه ادبیات روایی (داستان، حماسه و نمایشنامه) است و حوادثی که در هر کدام از این انواع جریان دارد، می‌تواند تمثیلی از مجموعه‌ای امور عینی یا ذهنی دیگر باشد و به تعبیری فشرده می‌توان گفت الگوری بیان روایی گسترش یافته‌ای است که معنای دومی هم در آن سوی ظاهر آن می‌توان جست» (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۰: ۸۶) الگوری را می‌توان به عنوان استعاره گسترده تعریف کرد. این اصطلاح اغلب برای داستانی به کار می‌رود که نویسنده آن از شخصیت‌ها یا اعمالی که ضمن داستان آمده معنایی فراتر از ظاهر را در نظر دارد و این سطح زیرین معنایی یا معنای گسترده نسبت به خود داستان جنبه‌های معنوی و اخلاقی بسیار بیشتری را در بر می‌گیرد. (تقوی، ۱۳۷۶: ۹۰) بنابراین الگوری داستانی است که بدون در نظر گرفتن جنبه تمثیلی آن نیز دارای معنای کاملی است و ممکن است در خود داستان هیچ اشاره یا دلالتی برای فهم معنای دوم و باطنی وجود نداشته باشد و همین نکته الگوری را از فابل متفاوت می‌سازد چرا که فابل در برخی موارد تنها با درک و فهم هدف نویسنده معنی دار خواهد شد (تقوی، ۱۳۷۶: ۹۱).

به دلیل داشتن جنبه تمثیلی پارابل را نیز در ذیل الگوری می آورند. پارابل را خاص کتابهای مذهبی و دینی دانسته اند. به این ترتیب که داستانی باز گو می شود تا مقدمه تبیین یک حقیقت دینی و مذهبی باشد. طرح داستان در پارابل اصل مذهبی یا درس اخلاقی یا حقیقت عام را آشکار می سازد و این نوع حکایت همیشه از طریق مقایسه با حوادث واقعی تعلیم می دهد. از مشهور ترین پارابلها یا امثال، مثل های حضرت عیسی (ع) است که در انجیل های چهارگانه وارد شده است (تقوی، ۱۳۷۶: ۹۴).

برای جمع بندی رابطه مفهومی تمثیل، فابل، الگوری و مثل، ذکر مثالی از «کودان» جالب توجه خواهد بود. کودان برای این منظور از فابلی قدیمی استفاده می کند که در مورد خصایص مردم عرب بکار رفته است:

روزی قورباغه و کژدم قصد عبور از رودخانه نیل را داشتند. قورباغه پیشنهاد کرد که کژدم را به پشت خود سوار کرده او را به آن سوی ساحل رودخانه ببرد به شرط آنکه کژدم قول دهد او را نیش نخواهد زد. کژدم وعده داد که چنین کند به شرط آنکه قورباغه او را در آب غرق نخواهد کرد. به دنبال این عهد و پیمان هر دو از رودخانه عبور کردند. در آن سوی ساحل رودخانه کژدم قورباغه را به شدت نیش زد. قورباغه در حال احتضار پرسید چرا این کار را کردی؟ کژدم پاسخ داد: چرا؟ برای اینکه ما هر دو عرب هستیم؛ مگر نه؟ کودان پس از بیان این فابل می گوید: اگر ما به جای واژه قورباغه «آقای خوش نیت» و به جای کژدم «آقای خائن» و به جای عبارت «ما هر دو عرب هستیم» عبارت «ما هر دو بشر هستیم» و به جای رودخانه نیل یک رودخانه بی نام و نشان به کار ببریم تمثیل فابل را به تمثیلی از نوع الگوری تبدیل کرده ایم.

از طرف دیگر اگر به جای «قورباغه و کژدم» به ترتیب «پدر و پسر» یا «کشتیبان و مسافر» را به کار گیریم و پسر بگوید: «ما هر دو مخلوق پرودگاریم اینطور نیست؟» تمثیل پارابل خواهیم داشت که از شرارت ماهیت و معصیت فرزند پدر و مادرکش صحبت می کند. (عزب دفتری، ۱۳۷۶: ۷۴) لازم به ذکر است که شبیه این فابل در بهارستان جامی نیز حکایتی وجود دارد که بجای قورباغه سنگ پشت است و کژدم در اثنای راه با آنکه می داند نیشش بر پشت سنگ کارگر نیست به نیش زدن او می پردازد و می گوید:



«هرچند می‌دانم که بر آنجا کارگر نمی‌آید اما خاصیت خود را نمی‌توانم گذاشت». سنگ پشت که از سرشت بد او آگاه می‌شود او را در آب غرق می‌کند. (جامی، ۱۳۷۱: ۱۱۲) «مثلی» نیز از همین حکایت گرفته شده است با این مضمون:

نیش عقرب نه از ره کین است      اقتضای طبیعتش این است

در پایان این بحث تاکید بر این نکته ضروری است که در ادبیات فارسی گستره مفهومی تمثیل وسیع‌تر از فابل، الگوری و مثل است و همه انواع این قالب‌های ادبی را می‌توان در ذیل تمثیل قرار داد. ما نیز در این مقاله هم به فابل‌های سیاسی نظر داریم (نظیر آنچه که در کلیله و دمنه آمده است) و هم به الگوری (چنانکه موش و گربه عبید زاکانی در قالب‌های غربی، الگوری به شمار می‌آید) و هم به تشبیه مرکب؛ چنانکه در تمثیل اعضای بدن ذکر خواهد شد.

### تعریف فرهنگ سیاسی

هر فرهنگ سیاسی برآیندی است از ایستارها، ارزش‌ها، احساس‌ها اطلاعات و مهارت‌های سیاسی. همچنانکه ایستارهای افراد بر کنش‌های آنان تاثیرگذار است فرهنگ سیاسی یک ملت نیز بر رفتار شهروندان و رهبران آن در سراسر نظام سیاسی تاثیر می‌گذارد.

تحلیل سیاسی از چشم‌انداز فرهنگ سیاسی بر این فرض مبتنی است که یک نظام سیاسی تنها از ساختارهای سیاسی - اقتصادی و مانند آن تشکیل نیافته، بلکه طیفی از اندیشه‌ها و رفتارهای کمابیش به هم پیوسته را نیز در بر می‌گیرد (نقیب‌زاده، ۱۳۷۶: ۵۳). از این دیدگاه سیاست متأثر از زمینه‌های فرهنگی تلقی می‌شود. به بیان دیگر فرهنگ سیاسی عبارت است از انگاره‌ها و ایستارها نسبت به اقتدار، مسئولیت‌های حکومتی و الگوهای مربوط به جامعه‌پذیری سیاسی (قوام، ۱۳۷۳: ۷۱).

### مبانی نظری

نکته مهم در فهم درست تمثیل سیاسی توجه به مقاصدی است که نویسنده آن را در ورای حوادث و فراز و نشیب داستان پنهان می‌کند. چرا که محافظه‌کاری و پنهان‌نگاری

از پدیده های رایج در نوشته های سیاسی بازمانده از عصر قدیم است. تمثیل و به ویژه افسانه حیوانات (فابل) از جمله قالب های ادبی است که به دلیل دولایگی معنایی از دیرباز فضای جالبی را برای ارائه مضامین سیاسی- اجتماعی فراهم آورده است. در سراسر جهان منتقدین اجتماعی در پس صورتک داستان سرایی و ایجاد سرگرمی شدیدترین و عمیق ترین انتقادات و نارضایتی های خود از وضع سیاست و فرهنگ را در معرض دریافت عمومی قرار داده اند.

در این حالت نویسنده مطالبی را که نمی توان بطور مستقیم در تادیب صاحبان قدرت سیاسی بر زبان آورد در پوششی مفرح و سرگرم کننده از داستان و طنز پنهان می کند و با توصیفی اغراق آمیز رفتار اهالی قدرت را تا حد اعمال حیوانات پایین می آورد و انگیزه های غیر انسانی را که در ورای این همه تظاهر و تفاخر انسان ها وجود دارد بر ملا می سازد. تمثیل همچنین در طول تاریخ قالبی برای آموزش فن کشورداری و سیاست مداری بوده است. این واقعیت که قدرت سیاسی در تاریخ بشری به ندرت در اختیار اهالی فضیلت و حکمت قرار گرفته در بسیاری موارد هنرمندان و عالمان را به نگارش آثاری در جهت ارتقاء سطح فکر و دانش عاملان سیاسی ترغیب کرده است.

بررسی پدیده پنهان نگاری را به ویژه می توان در آثار لئو اشتراوس (۱۹۷۳-۱۸۹۹) فیلسوف سیاسی قرن بیستم مورد توجه قرار داد. (رضوانی، ۱۳۸۸: ۷۶) پنهان نگاری شیوه و هنری از نگارش است که در آن فیلسوف یا حکیم سیاسی به دلایلی ایده ها و افکار خود را به گونه ای به نگارش در می آورد که فهم واقعی آن برای همگان میسر نیست. آثاری که به این گونه نوشته می شوند؛ ممکن است به صورت دیالوگ، رساله، شرح، تعلیقه و غیره ارائه شوند. نویسنده چنین آثاری ابزارهای ادبی زیادی برای پنهان کردن افکار و ایده های واقعی خود به کار می گیرد. ویژگی های راز گونه چنین آثاری عبارتند از: پیچیدگی طرح، تناقضات، اسامی مستعار، تکرار نادرست بیانات پیشین، جملات عجیب و غریب و غیره. چنین ویژگی هایی باعث می گردد که فهم آن نیازمند مطالعه دقیق و عمیق باشد.

در این راستا اشتراوس روش فهم تاریخی واقعی را ارائه می کند. فهم تاریخی واقعی

یعنی فهم اندیشه نویسنده گذشته دقیقاً همان گونه که او اندیشه خود را می‌فهمید. به نظر اشتراوس متون کلاسیک را باید متن با متن و نویسنده با نویسنده فهمید. از این منظر وظیفه مورخ اندیشه آن است که اندیشه متفکر گذشته را دقیقاً آنگونه تفسیر کند که خود نویسنده تفسیر می‌کرد. یا به عبارت دیگر احیا و دمیدن روح تازه به اندیشه متفکر گذشته بنابر تفسیر و فهم خود آنان.

فهم دغدغه‌ها و مشکلات ذهنی مولف که بازتاب شرایط سیاسی اجتماعی عصر اوست و درک و دریافت الزاماتی که او را به انتخاب شیوه تمثیل ترغیب یا اجبار نموده است در این راستا ضروری است و لذا مطالعه آثار تمثیلی با هدف بررسی حقایق نهفته در «بین خطوط» یا لایه زیرین صورتک‌های تمثیلی صورت می‌گیرد.

فیلسوف سیاسی دیگری که از همین منظر به فهم اندیشه سیاسی نهفته در آثار گذشته می‌پردازد «کوئینتین اسکینر» است. در توصیفی کلی می‌توان روش اسکینر را ترکیبی از گرایش متن محور و زمینه محور در نظریه‌های هرمنوتیک دانست. برای اسکینر متون اندیشه در حکم جواب‌های یک مسأله هستند و زمانی می‌توان به فهم آن‌ها نائل شد که مسائل مربوط به صورت تاریخی مورد بازبایی قرار گیرد. بر این اساس متون باید به عنوان بخشی از یک گفتگوی مستمر شناخته شوند؛ نه در یک فضای منفرد. از این رو وظیفه مورخ اندیشه سیاسی این است که از خود این مسأله را بپرسد که نویسندگان این متون در هنگام نوشتن درصدد نقد تایید و بی‌اعتبار کردن چه اصول اخلاقی یا اندیشه پذیرفته شده‌ای بودند. (عبدالله پور، ۱۳۹۱: ۷۶)

تاکید بر این نکته ضروری است که ما در این مقاله به دلیل وسعت نمونه‌های ذکر شده مدعی بررسی دقیق مفاهیم نهفته در تمثیل‌های سیاسی ایران و جهان نیستیم و اشاره به وضعیت سیاسی اجتماعی نویسندگان بصورت اجمالی و درحد ضرورت انجام شده است. با این حال اذعان می‌شود که درک دقیق تمثیل‌های سیاسی که بازتابی از فرهنگ سیاسی است؛ صرفاً با روش فهم تاریخی واقعی امکان‌پذیر خواهد بود.

## تمثیل های سیاسی در فرهنگ ادبی جهان

تمثیل های سیاسی از جمله تاثیر گذارترین تمثیل ها در طول تاریخ محسوب می شوند. این ویژگی باعث ماندگاری شگفت آور تمثیل های سیاسی شده است. چنانکه سابقه تمثیل های سیاسی به بیش از پانصد سال قبل از میلاد مسیح باز می گردد. از نمونه های آن تمثیلی است که «منیوس اگریا» کنسول و سناتور روم در سال ۴۹۳ قبل از میلاد برای شورشیان شهر رم ایراد کرد و بوسیله آن شورش را فرو نشاند. در این ماجرا مردم شهر در اثر گرسنگی و فقر از اشراف روم به خشم آمده و در کوه مقدس اجتماع می کنند. منیوس از طرف سنا مأموریت می یابد که این شورش را با صحبت آرام سازد. او در نطقی هوشمندانه تمثیل اعتصاب اعضای بدن بر ضد معده را برای مردم شرح می دهد و در نتیجهی حسن تأثیر این تمثیل، مردم متفرق شده و شورش از بین می رود.

خلاصه این تمثیل که بعدها در آثار مختلف به نظم و نثر درآمد آن است که:

«روزی اعضا بدن علیه معده شورش کردند و گفتند: این مخالف عدالت است که همه ما کار کنیم و معده متمتع شود. چون مدتی از اعتصاب آنها گذشت؛ معده نیز از کار باز ایستاد و اعضا بدن ناتوان شدند سرانجام جسم انسانی به هلاکت کشید.» (حکمت، ۱۳۶۱: ۱۰۱) اهمیت این تمثیل در اقناع مردم نسبت به متفاوت بودن وظایف اجتماعی شهروندان و اهمیت تلاش اجتماع در رسیدن به منافع عمومی است.

از جمله قدیمی ترین آثار تمثیلی که در آن می توان تمثیل هایی با مقاصد سیاسی سراغ گرفت افسانه های ازوپ است. ازوپ در قرن ششم قبل از میلاد می زیست و حکایت های بسیاری از او باقی است که بعدها توسط اشخاص مختلف بازنویسی شده یا به نظم درآمده است. از جمله تمثیل های جالب او در تحلیل وقایع سیاسی زمانه اش تمثیلی است که ظاهراً در مجمع عمومی ساسموس برای جلوگیری از شورش مردم ایراد کرده است: «روباهی که از رودخانه ای می گذشت به لجه ژرفی افتاد و همه کوشش های او برای بیرون آمدن بی نتیجه ماند. گذشته از رنج های دیگری که می بایست تحمل می کرد، از دست گروهی از کنه ها در زحمت بود که بر پوست او چسبیده بودند. خارپشتی که به مقصدی از آنجا میگذشت دلش بر وی بسوخت و پرسید که اگر میل دارد او کنه ها را یک یک

برچیند. روباه گفت: «نه خواهش میکنم چنین نکنید» خارپشت پرسید: «چرا؟» «زیرا این‌ها قبلاً حساسی غذا خورده‌اند و اکنون زیاد خون نمی‌مکند. ولی اگر تو آنها را از پوست من دور کنی، گروه دیگری می‌آیند که همه گرسنه‌اند و هر قطره‌ای که از خون من مانده همه را پاک می‌مکند.» ای مردان ساموس، داستان شما نیز چنین است. این مرد برای آنکه توانگر [شده] است چندان زبانی به شما نمی‌رساند ولی اگر او را بکشید، گروه دیگری می‌آیند که همه گرسنه‌اند، و آنها دزدی را ادامه می‌دهند تا به جایی که خزانه شما را خالی سازند.» (حلبی، ۱۳۷۳: ۴۵).

گفته‌اند آریستفانس، گزنفون، سقراط، افلاطون و ارسطوبه او استناد می‌کرده‌اند و نوشته‌اند که سقراط در ایام زندان بسیاری از امثال ازوپ را به نظم درآورده است که امروزه اثری از آنها در دست نیست. به هر حال امروزه قریب به ۲۰۰ مثل از امثال ازوپ چاپ شده است. هر چند معلوم نیست که واقعاً چه مقدار از آن‌ها از آن خود اوست و کدام افزوده‌های دیگران است. در اینجا به دو نمونه از تمثیل‌های ازوپ که در آن رابطه یک سویه قدرت و حق به تصویر درآمده اشاره می‌شود. (حلبی، ۱۳۷۳: ۵۲ و ۶۱)

۱- داستان سهم شیر: این داستان در مورد شیر و خری وحشی است که با هم به شکار می‌پردازند. شیر قدرت خود را بکار می‌برد و خر تیز پایش را تا اینکه زمانی موفق به گرفتن شکاری می‌شوند. شیر آن را به سه بخش تقسیم می‌کند: بخش اول را به عنوان اینکه شاه است و در بالاترین رده قرار دارد بر می‌دارد. بخش دوم را به دلیل آنکه شریک برابر خر است تصاحب می‌کند و در مورد بخش سوم می‌گوید: «بخش سوم نیز ترا به خطری می‌اندازد مگر اینکه خود را از آن محروم سازی.»

۲- داستان گرگ و بره: تشنگی گرگ و بره‌ای را به کنار جویباری می‌کشاند. گرگ در سمت بالای آب و بره پایین تر از اوست. با اینحال گرگ او را متهم به گل آلود کردن آبشخورش می‌کند. بره استدلال می‌کند که در پایین آب است و نمی‌توانسته آب او را گل آلود کند. دیگر بار گرگ او را متهم می‌کند که سال گذشته نیز مانع آب خوردن پدرش شده است. بره می‌گوید که سال گذشته هنوز به دنیا نیامده بود. گرگ جواب می‌دهد: تو در یافتن جواب‌ها ماهری ولی به هر حال من ترا می‌خورم!

جالب آنکه این داستان با گفتگوهای متفاوت در کتاب روضه العقول که تحریری از مرزبان نامه در سنه ۵۹۸ ه. ق است نیز موجود است. (ملطیوی، ۱۳۸۳: ص ۳۶۲)

افسانه های ازوپ چند بار به لاتین ترجمه شده است که از آن میان ترجمه و تقلیدی که فئدروس کرده از همه جالب تر و بهتر است. او که برده ای از اهالی مقدونیه بود مهارت زیادی در نظم شعر داشت و اولین نویسنده رومی بود که توجه خود را معطوف به این نوع ادبی ساخت. اغلب افسانه های او طنزی تلخ و انتقادی برنده از اوضاع اجتماعی دارند. گرچه فئدروس جانب احتیاط را نگاه می داشت و نظریات خویش را در لباس افسانه حیوانات بیان می کرد؛ با این وجود از جانب دستگاه سیاسی حاکم مورد آزار بود.

فئدروس با وجود زیبایی سبک و قدرت نبوغی که داشت در اروپا تا قرن شانزدهم مقلدینی نیافت؛ در حالیکه خود افسانه های ازوپ بین قرن ۱۲ تا ۱۵ رواج بیحدی پیدا کردند و وعظ برای ایضاح مطالب آنها را ذکر می کردند و در مدارس به عنوان مثال های اخلاقی از آنها استفاده می شد. (جوادی، ۱۳۵۳: ۱۷) در دوران قرون وسطی تمثیل به یکی از ابزارهای انتقاد از حکومت های مطلقه و کلیسا تبدیل شد. یکی از اولین آثار انتقادی اروپایی در قرون وسطی مجموعه بیست و شش شعر فرانسوی به نام «داستان روباه» است. شخصیت های این داستان ها حیواناتی چون روباه، گرگ، شیر، خرس، بره و گربه هستند.

گرگ که ایزن گرین (isengrin) نام دارد هم ابله است و هم طماع و تصویر گویایی است از راهبان آن روزگار. در این سلسله داستان ها تمام حیوانات قربانی حيله گری و مکاری روباه هستند.

داستان روباه کاریک نویسنده نیست بلکه مجموعه داستان هایی است؛ که شاعران متعدد آن ها را به نظم کشیده اند. این داستان ها به زمان واحدی هم باز نمی گردد بلکه به زمان های مختلف مربوط است. قدیمی ترین مجموعه این داستانها احتمالاً بین سالهای ۱۱۷۵ و ۱۲۰۵ به نظم کشیده شده است.

در نیمه دوم قرن سیزدهم دو اثر دیگر که مرتبط با داستان روباه است به نام های «تاجگذاری روباه» و «روبه تازه» نیز نوشته شد. تاجگذاری روباه با نقدی تند، جامعه ای را که اندوه بر آن حاکم استبررسی می کند. روباه در این داستان نماد نفاق، طمع و دیگر رذیلت

هاست و با حيله گری می کوشد تا به عنوان پادشاه تاجگذاری کند و در جای شیر بنشیند. «روبه تازه» نیز منظومه ای است سمبلیک و طولانی که به مسخره بزرگان دین و نهادهای کلیسا می پردازد و برخی از جنبه های نزاع میان روبه و پادشاه را به تصویر می کشد. داستان در نهایت با دوستی روبه و شیر به پایان می رسد.

همچنین «روتیف» از شاعران قرن سیزدهم منظومه مسخره آمیزی می سازد که در آن روبه در چهره راهبی حيله گر و گداست که بر پادشاه تسلط می یابد و به این ترتیب اوضاع مملکت به وخامت می گراید. (عبدالسلام کفافی، ۱۳۸۲: ۲۰۸-۲۱۱) یکی از بهترین تقلیدها از افسانه های ازوپ توسط هنریسون (۱۵۰۶-۱۴۳۰) در اسکاتلند انجام گرفت. هنریسون در اشعار خویش با نوع دوستی و محبت از دهقانان مورد اجحاف حمایت می کند. در داستان های او عوام الناس فقیر و دهقانان، گوسفندانی هستند که لردها، قاضیان و کشیشان اسکاتلند جمع شده اند تا پشم آن ها را بچینند؛ شیرشان را بدوشند و هرگونه استفاده از آن ها نکنند. هنریسون با استفاده از تمثیل به وقایع مفتضح سیاسی عصر خود اشاره می کند و از این نظر در بین نویسندگان معاصر خود بی نظیر است. (جوادی، ۱۳۵۳: ۱۸)

تقلید و بهره گیری از افسانه های ازوپ در قرن ۱۷ توسط لافونتین (۱۶۹۵-۱۶۲۱) ادامه می یابد. او را به عنوان بزرگ ترین افسانه نویس اروپا می شناسند. لافونتین در داستان های کهن روحی تازه می دمدم و بر پایه ی آن ها آثار هنری جدیدی خلق می کند که شیوایی و دلنشینی خود را همچنان حفظ کرده اند. از میان تمثیل های سیاسی او به داستان «گرگ و سگ» که اقتباس از داستانی از فدر است و ارزش آزادی را بیان می کند اشاره می شود؛ این داستان حکایت گرگی لاغر و استخوانی است که به سگی درشت و فربه بر می خورد؛ سگ او را نصیحت می کند که اگر می خواهد همچون او فربه شود؛ بیشه را رها کند و نگهبان منزل صاحب او شود. گرگ گرسنه می پذیرد و به دنبال سگ به راه می افتد. اما در اثنای راه چشمش به گردن سگ می افتد که مویش رفته است. از سگ علت آن را می پرسد و در می یابد که آن، اثر قلاده ای است که به گردن سگ می بندند. گرگ پشیمان می شود و می گریزد و حاضر نمی شود که آزادی خود را در ازای رفاه و آسایش از دست بدهد. (لافوتتن، ۱۳۸۰: ۲۹)

از دیگر نویسندگانی که برای انتقاد از مفاسد سیاسی - اجتماعی عصر خود به شیوه تمثیل روی آورده اند نام دو نویسنده روس نیز دارای شهرت جهانی است: ایوان آندریویچ کریلف و سالتیکوف شچدرین. (نفیسی، ۱۳۴۴: ۵۵ و ۲۱۲) کریلف با وجود محافظه کاری زیادی که داشت زندگی عصر و محیط خود و مخصوصاً مفاسد چشم گیر مردان مقتدر آن دوران را به جانوران نسبت داده و افسانه هایی نظیری پر از طنز و نقد آفریده است. بعد از او شچدرین در بعضی از آثار خود از روش تمثیل برای ابراز نظریات خود استفاده کرد. شچدرین در دورانی می زیست که فئودالیسم رو به زوال می رفت و بورژوازی رشد و گسترش می یافت. او که یک دموکرات انقلابی بود به پیروی از هواداران سوسیالیزم تخیلی در راه استقرار یک نظام اجتماعی دموکراتیک و انقلابی قلم می زد. آثار او هم بر ضد نظام فئودالی و هم در مخالفت با نظام بورژوازی و انتقاد از بوروکراسی است.

در اینجا به خلاصه ای از داستان «خرگوش فداکار» از کتاب «قصه برای بزرگسالان» او اشاره می شود. (شچدرین، ۱۳۵۲) لازم به ذکر است که عنوان کتاب اشاره گویایی است به این نکته که این کتاب هر چند در مورد حیوانات است و قاعدتاً مخاطب آن باید کودکان باشند؛ برای بزرگسالان نوشته شده و دارای پیامی جدی است.

داستان خرگوش فداکار، داستان خرگوشی است که گرفتار گرگی سیر شده است. گرگ تمایلی به خوردن خرگوش ندارد و از او می خواهد تا گرسنه شدن مجدد گرگ در زیر بوته ای در انتظار بماند. خرگوش در شرف ازدواج است. برادر همسرش برای رساندن خبر مریضی نامزدش او را پیدا می کند و از او می خواهد هر چه سریع تر به دیدار نامزدش برود. با اینکه خرگوش امکان فرار نیز دارد ترس مانعش می شود و می گوید: «گرگ اجازه نداده است» و در این فکر است که شاید گرگ و همسرش رفتار نجیب آن هاو را تحسین کنند! سرانجام گرگ برادر زن او را گروگان نگه می دارد تا خرگوش نزد همسر آینده اش برود و تا صبح فردا باز گردد. گرگ تأکید می کند که: «اگر تا ۶ صبح فردا بازنگردی او را می خورم اگر چه اگر هم برگردی هردوی شما را می خورم هاها شاید هم شما را بخشیدم». خرگوش قول می دهد که باز گردد. سرانجام هنگام بازگشت همه خویشاوندان خرگوش عقلشان را روی هم می گذارند و به این نتیجه می رسند که او نباید برخلاف عرف



خرگوش‌ها زیر قولش بزند. در آخر داستان با وجود اینکه بازگشت خرگوش سودی به حال برادر زنش ندارد او با تمام وجود می‌دود و خود را به خانه گرگ می‌رساند. شچدرین در این داستان وضعیت خفت بار مردمی که در مقابل قدرت حاکم دچار ترس و انقیاد هستند را به خوبی به تصویر می‌کشد و تمثیل او ترغیب ضمنی طبقات فرودست برای انقلاب را نیز در خود نهفته دارد.

از دیگر تمثیل‌های سیاسی مشهور جهان رمان «قلعه حیوانات» اثر جورج اورول (۱۹۵۰-۱۹۰۳) نویسنده طنزنویسانگلیسی است. این رمان تمثیل هجوآمیزی از جامعه سوسیالیستی شوروی است: حیوانات که از دست اربابشان به تنگ آمده اند طغیان می‌کنند و اداره امور مزرعه را به دست خود می‌گیرند ولی تحت رهبری خوکها که به مزرعه مسلط شده اند روزگار بدتری پیدا می‌کنند. شعار خوکها این است: «تمام حیوانات برابرند ولی بعضی‌ها بیش‌تر از دیگران برابرند». خوک‌ها به تدریج شبیه فئودال مخلوع مزرعه می‌شوند تا جایی که حتی با او از در سازش در می‌آیند... این تمثیل بیان سیر انقلاب توده‌ای برای دستیابی به حکومت پرولتاریا با رؤیای تساوی و برابری است و استحاله تدریجی آرمان‌های عدالت خواهانه و وقوع استبداد را به خوبی به تصویر می‌کشد.

### تمثیل‌های سیاسی در ادبیات فارسی

یکی از قدیمی‌ترین آثار تمثیلی در ادبیات ایران کتاب کلیله و دمنه است که بخش عمده‌ای از داستان‌های آن از کتاب هندی پنچا تنترا مأخوذ شده است. برزویه طبیب پنجه‌تنتره را در عصر انوشیروان ساسانی به فارسی درآورد و ابواب و حکایات دیگری بر آن افزود که اغلب از مأخذ دیگر هندی بود. بعد از آن در دوران اسلامی ابن مقفع آن را به عربی درآورد. در عصر سامانی توسط رودکی به نظم فارسی امروزی درآمد و در عصر بهرامشاه غزنوی ابوالمعالی نصرا... منشی برای چندمین بار آن را به نثر فارسی ترجمه کرد و کتابی است که امروزه با نام کلیله و دمنه شناخته می‌شود.

نصرا... منشی در ترجمه خود مقید به تبعیت از اصل نبوده و لذا ترجمه او نگارشی آزاد و بهانه‌ای برای هنرنمایی قدرت بی‌نظیر او در نثر فارسی است. کلیله و دمنه از آغاز

با انگیزه های سیاسی به ایران آورده شد و انوشیروان که به اهمیت مقاصد سیاسی مندرج در آن کتاب آگاهی داشت در این راه امکانات و زمینه لازم را فراهم آورد. ابن مقفع در ابتدای این کتاب درباره شناختی که اطرافیان انوشیروان از محتوای سیاسی آن داشتند چنین می نویسد:

«به سمع او- انوشیروان- رسانیدند که در خزاین ملوک هند کتابیست که از زبان مرغان و بهایم و وحوش و طیور و حشرات جمع کرده اند و پادشاهان را در سیاست رعیت و بسط عدل و رأفت و قمع خصمان و قهر دشمنان بدان حاجت باشد و آن را عمده هر نیکی و سرمایه هر علم و راهبر هر منفعت و مفتاح هر حکمت می شناسند و چنانکه ملوک را از آن فواید تواند بود اوساط مردمان را هم منافع حاصل تواند شد و آن را کتاب کلیله و دمنه خوانند...» (نصرالله منشی، ۱۳۸۹: ۲۹)

مخاطب اصلی کتاب کلیله و دمنه شخص پادشاه است و این کتاب مشخصا برای آموزش سیاسی پادشاهان جمع آوری و تالیف شده است. با اینحال جذابیت داستانی و تمثیلی این اثر باعث رواج فوق العاده آن در بین اقشار مختلف مردم در سراسر جهان شده است. پادشاه در این کتاب به کار بردن صحیح نیروی تفکر و عقلانیت را در تصمیم گیری سیاسی می آموزد.

ضامین مشترک کتاب کلیله و دمنه و داستان های ازوپ که هر دو اثر مربوط به دوره باستان هستند توجه بسیاری از محققین را به خود جلب کرده است. دکتر زرین کوب در این باره می نویسد:

«شباهت بعضی از این داستان ها بی شک از آنجاست که همه از سرچشمه حکمت ها و تجربت های عوام پدید آمده اند. تجربت های همانند در بین اقوام مختلف به عبرت های مشابه منتهی شده است و از این عبرت ها امثال واحد و داستان های واحد نشات یافته است.» (زرین کوب، ۱۳۵۳: ۴۹۷)

از جمله این داستان های مشابه می توان به داستان شیر بیمار و روباه اشاره کرد: خلاصه این داستان در افسانه های ازوپ این چنین است: شیری بیمار از روباه می خواهد تا گوزن را فریب دهد و به نزدیک او بیاورد. روباه نزد گوزن می رود و به او خبر می دهد که شیر

بیمار است و برای جانشینی خود از میان حیوانات گوزن را برگزیده است. گوزن به طمع دستیابی به قدرت خود را به دام هلاکت می افکند (ازوپ، ۱۳۸۳: ۱۰۲). در کلیله و دمنه شیر دچار بیماری گری است و قدرت شکار کردن ندارد بنابراین از روباه می خواهد نزد خر برود و او را فریب دهد. خر به امید خلاصی از رنج کار کردن و نزدیکی به شیر فریفته می شود و با پای خود به مهلکه می آید (منشی، ۱۳۷۱: ۲۵۳).

متن کلیله و دمنه سراسر مشحون از مقاصد و پیام های سیاسی است و بررسی تمثیل های سیاسی آن نیاز به مجالی جداگانه دارد با اینحال در این جا به طور نمونه به یک داستان اشاره می شود:

### باب بوف و زاغ

داستان اصلی این باب درباره هزار زاغ است که بر شاخه های درخت بسیار بزرگی لانه دارند و پادشاهی دارند که همه مطیع او هستند. شبی پادشاه بومان که با آنها دشمنی دارد به قلمرو زاغان حمله می کند. در این شبیخون عده ای از زاغان کشته می شوند و عده ای نیز مجروح. روز بعد پادشاه زاغان که بیم حمله دوباره بومان را دارد با لشکریان خود مشورت می کند و چاره کار می خواهد. در میان زاغان پنج زاغ دانا وجود دارند که پنج راه حل مختلف را پیش پای پادشاه می نهند:

اولین زاغ به ترک منزل و مأوا و احتراز از خطر توصیه می کند. زاغ دوم چاره را در مبارزه و رویارویی می داند. زاغ سوم به تسلیم شدن و دادن خراج رأی می دهد. وزیر چهارم به صبر و مقابله و دفاع نظر می دهد و زاغ پنجم شیوه تدبیر و تأمل و استفاده از عقل و مکر را پیشنهاد می کند.

پادشاه نظر پنجم را می پذیرد نقشه بر آن قرار می گیرد که زاغان لانه های خود را موقتاً ترک کنند و زاغ دانا را زخمی و خونین در زیر درخت رها کنند. بومان در شبیخون مجدد، زاغ زخمی را به نزد پادشاه خود می برند. پادشاه در مورد کشتن یا زنده نگهداشتن زاغ با اطرافیان مشورت می کند. یکی او را مشکوک و سزاوار قتل می داند و دیگری به تکریم او توصیه می کند. در نهایت زاغ به دربار بوم پذیرفته می شود بعد از مدتی که به

همه اسرار آنان اطلاع می یابد نزد بقیه زاغان می رود. زاغان با استفاده از اطلاعاتی که در اختیار آن ها می نهد به سرزمین بومان حمله برده و آنها را از بین می برند.

در اثنای این داستان، داستان های دیگری نیز از زبان شخصیت های اصلی ذکر می شود. که در آن ها نیز مقاصد و پیام های سیاسی مندرج است. همان طور که قابل ملاحظه است پیام اصلی این داستان اهمیت استفاده از نیروی عقل و مکر ورزی در رویارویی با دشمن و پرهیز از جنگ بدون تفکر و تمهید لازم است. همچنین در اثنای داستان بر لزوم مشورت پادشاه با مشاوران زیرک تأکید بسیار رفته است. عاقبت شوم تجاوز و تعرض و خونریزی نیز پیغام دیگر داستان به شمار می رود. اهمیت حفاظت اسرار و اطلاعات کشور، بی اعتمادی به دشمن نیز در این داستان دیده می شود.

از امثال ایرانی قبل از اسلام که توسط نظامی گنجوی به شعر درآمده حکایتی در مورد انوشیروان و گفتگوی دو جغد است؛ این حکایت با استادی خاصی در قطعه ای نسبتاً کوتاه در مقاله دوم از مخزن الاسرار آمده است:

صید کنان موکب نوشیروان	دور شد از کوکبه خسروان
مونس خسرو شده دستور و بس	خسرو و دستور دگر هیچکس
شاه در آن ناحیه صیدیاب	دید دهی چون دل دشمن خراب
تنگ دو مرغ آمده در یکدگر	وز دل شه قافیه شان تنگ تر
گفت بدستور چه دم می زنند	چیست صفیری که به هم می زنند
گفت وزیر ای ملک روزگار	گویم اگر شه بود آموزگار
این دو نوا نژی رامشگری است	خطبه ای از بهر زنا شوهری است
دختری این مرغ به آن مرغ داد	شیر بها خواهد از او بامداد
کاین ده ویران بگذاری بما	نیز چنین چند سپاری به ما
آن دگرش گفت کزین درگذر	جور ملک بین و برو غم مخور
گر ملک اینست نه بس روزگار	زین ده ویران دهمت صد هزار

هدف نگارش این تمثیل جلب توجه پادشاه به اهمیت وضعیت معیشت مردم و تاثیر آن در پایداری حکومت است. کتاب مشهور دیگری که به تقلید از کلیله و دمنه و از روی

منابع مختلف هندی و غیر هندی درباره موضوعات سیاسی - اجتماعی نگاشته شده مرزبان نامه است. مرزبان نامه از شاهکارهای نثر فارسی به شمار می رود که نثری متکلف و مصنوع دارد و از روی کتابی به همین نام که منسوب به اسپهبد مرزبان بن رستم بن شروین از ملوک طبرستان و به زبان طبری بوده توسط سعدالدین وراوینی در قرن هفتم به فارسی دری نگاشته شده است. مرزبان نامه نیز با هدف آموزش سیاسی پادشاه به نگارش در آمده؛ لزوم وجود آزادی بیان برای رجال سیاسی و نیز اهمیت بهره‌گیری پادشاه از مشاوره آنها از کلیدی ترین مباحث مرزبان نامه است. از تمثیل های سیاسی مرزبان نامه به داستان «شتر و شیر پرهیزگار» بطور نمونه اشاره می شود:

این داستان در مورد شیری پرهیزگار و خویشتن دار است که در بیشه ای حاصل خیز حکم می راند و حیوانات را ازادیت و خونریزی یکدیگر بازداشته است. روزی خرسی به سرزمین شیر می آید و با ترک گوشت خواری و خدمتگذاری نزد او جایگاه و مرتبه‌ای می‌یابد. در ادامه داستان حیوانات درنده روزی همراه شیر مشغول گشت زنی هستند که شتری را می‌یابند که از کاروان جدا مانده است و قصد او می‌کنند. شیر برایشان نهیب می‌زند و شتر نجات می‌یابد. رفتار شتر به تدریج مورد توجه و قبول شیر واقع می‌شود تا آنجا که مقام او از خرس تقدم می‌یابد. خرس حسد می‌برد و با بدگویی و سخن چینی نزد شیر و با بدبین کردن شتر، نقشه قتل شتر را طراحی می‌کنند. مکر خرس با وساطت زاغ، موش و روباه برملا می‌شود و سرانجام خرس به مجازات می‌رسد. (وراوینی، ۱۳۷۰: ۶۴۷) این تمثیل حکایت نسبتاً مفصلی است و در اثنای آن داستان های دیگری نیز از زبان شخصیت های اصلی ذکر می‌شود.

همان طور که قابل ملاحظه است موضوع محوری این داستان زیان فتنه انگیزی و بدسگالی است و نحوه فریبکاری درباریان و سوءاستفاده از قدرت سیاسی را نشان می‌دهد. شیر به عنوان پادشاه خردمند از یاری مشاوران زیرک در گرفتن تصمیم های درست بهره می‌گیرد.

به پیروی از کلیله و دمنه کتاب دیگری با عنوان فرائد السلوک نگاشته شده است که مؤلف آن شناخته نیست. فرائد السلوک را متعلق به قرن هفتم دانسته اند. این کتاب حاوی مطالب و مباحث مختلف تعلیمی است و در آن مباحث مربوط به اصول مملکت داری در

قالب تمثیل به چشم می خورد. نمونه ای از تمثیل های سیاسی در فرائد السلوک حکایت «بوزینگان و خرس ها» است:

در جنگلی سرسبز گروهی بوزینه به ریاست بوزینه ای به نام زیرک زندگی می کردند. زیرک زنی به نام میمونه داشت که در امور مختلف با او مشورت می کرد. زیرک فرزندی نداشت و شبی از میمونه خواست که به او اجازه دهد تا با زن دیگر ازدواج کند. میمونه خشمگین شد و باعث شد زیرک قوم و اهل خود را ترک کند. زیرک نزد خرس ها که در همسایگی آن ها بودند رفت و زنی از میان آن ها برگزید. فرزندی از زن او به دنیا آمد. پس از این رفت و آمد بین بوزینگان و خرس ها بیشتر شد. این وضع ادامه داشت تا اینکه خرس ها به وساطت فرزند زیرک (که از جنس آن ها بود) به بوزینه ها شبیخون زدند. اول خود زیرک کشته شد و سپس خویش و تبار او و در نهایت خرس ها سرزمین آن ها را تصرف کردند و همه را نابود ساختند. (فرائد السلوک، ۱۳۸۶: ۳۲۴)

گوشزد کردن خطر پیوند با بیگانگان برای پادشاه پیام اصلی این داستان است. بی اعتمادی به دشمن و خطر نزدیک شدن به آن ها از مضامین مکرر در حکایت های فارسی محسوب می شود. حکمای فارسی همواره درباریان و امیران را از ناپایداری عهد و پیمان دشمن و دوستی و اختلاط با ناهل بر حذر داشته اند.

یکی دیگر از آثار ارزشمند ادبی که در آن می توان تمثیل های سیاسی را سراغ گرفت، **گلستان سعدی** است. به یک نمونه از این تمثیل ها که در باب اول آمده و مضمون آن در دیوان انوری نیز موجود است؛ اشاره می کنیم: «گفتم حکایت آن رویاه مناسب حال تو است که دیدندش گریزان و بی خویشتن، افتان و خیزان. کسی گفتش چه آفت است که موجب چندین مخافت است. گفت: [شنیدم] شتر را به سخره می گیرند. گفتند: ای شیفته لایعقل شتر [را] با تو چه مناسبت است و تو را با او چه مشابَهت؟ گفت: خاموش که اگر حسودان بغرض گویند شتر است [و گرفتار آیم] که را غم تخلیص من باشد [تا تفتیش حال من کند]؟ و تا تریاق از عراق آورده باشند مارگزیده مرده باشد. (سعدی شیرازی، ۱۳۶۸: ۷۰ و ۷۱)

مشابه این داستان، که فساد موجود در فرهنگ سیاسی حاکم را به زیبایی هر چه تمام تر به نمایش می گذارد؛ در آثار سایر نویسندگان جهان نیز وجود دارد؛ به طور مثال در افسانه

نود و هفتم فرن این چنین آمده است: شیری بدون دلیل دستور تبعید همه حیوانات بی‌دم را داد. روباه بار و بنه اش را بست. میمون اطمینان خاطر داد که تو بیشتر از حد لزوم دم داری. روباه پاسخ داد: اگر شیر بخواهد مرا در میان حیوانات بی‌دم بیاورد چه کنم؟ همین مضمون در افسانه چهارم از کتاب پنجم لافوتن این گونه آمده است: حیوانی شاخدار به شیر ضربه می‌زند. شیر همه حیوانات شاخ‌دار را تبعید می‌کند. خرگوش با مشاهده سایه گوشه‌هایش بیمناک می‌شود و می‌گوید: اگر این گوش‌ها کوتاه‌تر از گوش‌های شترمرغ نیز می‌بود باز هم بیمناک می‌بودم ...

دیگر مجموعه داستانی که مأخوذ از ادبیات کهن هند است **طوطی نامه** است. اصل هندی این کتاب که به زبان سنسکریت «شوکه سپتی» یا هفتاد داستان طوطی نامیده می‌شود در دوره ساسانیان از سنسکریت به زبان پهلوی برگردانده شده است. روایت مفصل‌تر این مجموعه دوبار در قرن هشتم هجری در هند به فارسی درآمد. بار اول به دست عماد بن محمد ثغری از منشیان سلطان علاء الدین خلجی (۱۳۱۶-۱۲۹۶ م) به نام جواهر الاسمار که بار سیاسی قوی تری دارد و بار دوم به دست ضیاءالدین نخشی به نام طوطی نامه. داستانهای این کتاب از زبان طوطی نقل می‌شود تا زن خواجه را از خیانت به شوهر که در سفر است باز دارد و جنبه سیاسی و اجتماعی آن کم رنگ است. با این حال می‌توان نمونه‌هایی از تمثیل سیاسی را در آن بازیافت: (ثغری، ۱۳۵۲: ۱۴۲)

«آورده‌اند که شیر به دریا در کشتی برنشسته بود و گوسپندی را در آن محل ازبأس و نهیب خویش ایمن گردانیده و از کشتنش استظهاری داده ... چندانکه آتش اشتهای شیر در میان آب فروغی زدن گرفت و باد گرسنگی نقاب حیا را از پیش پرده چشم برداشت به جهت حيله نقض عهد و شکستن پیمان، خاک در دیده مردمی کرد و گفت: ای گوسپند اینجا گرد می‌کنی؟ گوسپند گفت: هذا محال؛ در میان آب غبار چه مناسبت دارد. شیر روی به دیگران آورد و گفت: دیدید جسارت و دلیری گوسپند. در حضرت امیر سباع گناه می‌کند و بر سر آن جواب می‌گوید. همه به یک زبان گفتند: همچنین است که بر لفظ میمون می‌رود ... او مستحق کشتن و سزاوار شکستن شده است ... شیر در حال اسباب جنگ بساخت و به یک زخم چنگ از کارش برداخت...»

این داستان بیانگر رابطه یک سویه قدرت و حق است و نشان می‌دهد که چگونه حاکمان سیاسی در مواقع لزوم می‌توانند اعمال ظالمانه خود را مشروع جلوه دهند. همچنین طنز تلخ اجتماعی آن در آنجاست که جامعه نیز این منطق را پذیرفته و بر مشروعیت ظلم صحنه می‌گذارد. رابطه یک طرفه قدرت و حق را پیش از این در داستان بره و گرگ ازوپ نیز دیدیم. با همین مضمون داستان دیگری از ازوپ قابل ذکر است: روزگاری خرگوشان انجمنی ساختند و ادعا کردند که همه باید سهم‌های مساوی داشته باشند. شیران پاسخ دادند گفتارتان نیک است ای پشم‌پایان، ولی فاقد چنگال‌ها و دندان‌هایی هستید که ما داریم. (حلبی، ۱۳۷۳: ۵۷)

از دیگر آثار تمثیلی سیاسی قرن هشتم داستان موش و گربه عبید زاکانی است. که از مشهورترین داستان‌های تمثیلی سیاسی در ادب ایران به شمار می‌رود موش و گربه را می‌توان به اصطلاح انگلیسی (moek heroic) «حماسه مضحک» دانست که سبک آن تقلید طنز آمیزی از سبک شاهنامه فردوسی است.

ظاهراً عبید در این داستان از شخصیت‌های حیوانی افراد انسانی خاصی را اراده کرده که در زمان او می‌زیسته‌اند و یادآور آثار نویسندگان اروپایی در قرون وسطی است. تظاهر به دین‌داری و دروغ‌گویی به شیوه جالبی در داستان او توصیف شده است:

گرچه آن موش را بکشت و بخورد	سوی مسجد شدی خرامانا
دستورو را بشست و مسح کشید	ورد می خواند همچو ملانا
بار الها که توبه کردم من	ندرم موش را به دندانان
بهر این خون ناحق ای خلاق	من تصدق دهم دو من نانا
آنقدر لابه کرد و زاری کرد	تا به حدی که گشت گریانا
موشکی بود در پس منبر	زود برد این خبر به موشانا

موش‌ها با شنیدن این خبر شادی می‌کنند و ۷ موش از رؤسای آنان با هدایایی نزد گربه می‌روند. گربه به آنها حمله می‌برد و ۵ نفر از آنها را شکار می‌کند. بقیه موش‌ها مصیبت دیده و عزادار به پای تخت می‌روند و به سلطان موش‌ها شکایت می‌کنند:

سالی یک دانه می‌گرفت از ما	حال حرصش شده فراوانا
----------------------------	----------------------



این زمان پنج پنج می گیرد  
درد دل چون به شاه خود گفتند  
چون شده تائب و مسلمانا  
شاه فرمود کای عزیزانا  
من تلافی به گربه خواهم کرد  
که شود داستان به دورانا

داستان با شرح جنگ میان لشکر گربه ها و موش ها که سرانجام به پیروزی گربه‌ها می‌انجامد به پایان می‌رسد. (تقوی، ۱۳۷۶: ۳۷۷) گربه زاهد در این داستان غالباً امیر مبارز الدین محمد در شیراز را به اذهان متبادر می‌کند که ظرفای شهر به او لقب محتسب داده بودند و حافظ نیز ظاهراً در اشعار خود همین مقصود را از کلمه محتسب در نظر داشته است. سفاکی و خونریزی امیر مبارزالدین و متشرع بودن او در تاریخ مشهور است. ادامه بحث سیاست در ادبیات تمثیلی ایران را با نگاهی اجمالی به برخی از آثار متأخرین پی می‌گیریم؛ طبیعتاً در این مجال اندک امکان معرفی کامل تمثیل‌های سیاسی معاصر وجود ندارد و این بررسی شامل مواردی محدود خواهد بود:

در دوره معاصر صادق هدایت نخستین نویسنده‌ای است که از شکل و مواد و ابزار قصه‌های قدیمی استفاده کرد و داستان کوتاه تمثیلی «آب زندگی» را نوشت. در این تمثیل مردم کشور کوران و کشور کران به اغوا و اغفال شاهان و اربابان ستمگر خود به جنگ مردم کشور همیشه بهار می‌آیند و شکست می‌خورند. در این داستان مردم کشور کران و کشور کوران با خوردن «آب زندگی» بینا و شنوا می‌شوند و به خود می‌آیند و دانش بر جهل و راستی بر نادرستی پیروز می‌شود. (میرصادقی، ۱۳۸۲: ۱۴۵) هدایت همچنین در «قضیه خردجال» با بهره‌گیری از قالب تمثیل به هجو و نقد دستگاه حکومت می‌پردازد؛ در این داستان استعمار درصدد دستیابی به گوهر شب چراغ (نفت) کشور خرد رچمن است و لذا عامل خود را به شکل روباره دم بریده روانه آنجا می‌کند. روباره دول پای لندهور (رضا شاه) را به جان گوسفندها می‌اندازد. در این افسانه مردم گوسفندانی هستند که برای اینکه از چریدن علف نیفتند سلطه هر قلدری را می‌پذیرند. (رهبریان، ۱۳۹۱: ۲۰) صادق چوبک (۱۹۵۱-۱۹۰۳) از جمله داستان‌نویسان مشهور معاصر نیز آثاری تمثیلی در نقد سیاست و اجتماع نگاشته است. بویژه دو داستان «انتری که لوطیش مرده بود» از مجموعه‌ای به همین نام و داستان «اسائه ادب» جالب توجه به نظر می‌رسد. در اسائه ادب

کلاغی به مجسمه یاد بود شاهنشاه بی ادبی می کند. شاه غضبناک امر می کند سربازان تمام کلاغ ها را شکار کنند و پیش روی او به نمایش گذارند. کلاغ ها مجبور به ترک آن دیار می شوند. از آن پس به یاد آن واقعه جامه سیاه در تن می کنند و صدایشان در اثر گریه و زاری خشک و خشن می شود. این داستان در کتاب «خیمه شب بازی» چوبک است که در سال ۱۳۲۴ چاپ شد. چوبک بعد از ده سال برای کسب مجوز دوم این مجموعه مجبور می شود داستان اسائه ادب را حذف کند. (اصلائی، ۱۳۸۳: ۵۱ و ۵۲) داستان انتری که لوطیش مرده بود شرح ذلت و وابستگی میمونی به نام مخمل است:

او یک روز صبح از خواب بیدار می شود و متوجه می شود که ارباب منفورش در خواب مرده است.

مخمل زنجیرش را از زمین پاره می کند و آزاد می شود. همه ی روز را پرسه می زند و سرانجام به تدریج از حس آزادی شادمانه اش به اسارتی وحشت زا می رسد. مخمل گناه همه اتفاقاتی که در طول روز برایش می افتد را به گردن زنجیر می اندازد. زنجیر در طول روز سنگین تر می شود از سرعتش می کاهد و خسته اش می کند. سرانجام دریافتی درونی در وجودش جرقه می زند. مخمل در می یابد که با اینکه زنجیر جزیی از وجود او نیست اما همه حرکاتش را کنترل می کند. او با زنجیر که میراث ارباب مرده اوست بیشتر از وقتی که ارباب زنده بود خودش را اسیر می بیند و با این ادراک که هیچ استقلالی ندارد پیش ارباب مرده اش باز می گردد. ترس از شکایت ها و حمله های ارباب، دوباره او را به فکر فرار می اندازد اما کشتو سنگینی زنجیر نیرویش را می گیرد و با نهیب مرگباری سرچایش میخکوب می کند. در پایان داستان، انسان هایی با تیغ های بران قهقهه زنان به سوی مخمل می آیند تا او را به وصال لوطیش برسانند. (دهباشی، ۱۳۸۰: ۸۲)

این داستان، تمثیلی از ابعاد روانی آزادی و حالات روحی مردم پس از دوران نسبتاً طولانی استبداد است. چوبک تبعید رضاخان از ایران و آزادی مردم در اوایل سلطنت محمدرضا شاه را به چشم دیده بود و به نظر می رسد در این داستان در پی تصویر نمودن این واقعیت بود که چگونه یک اجتماع به دلیل پایین بودن سطح آگاهی و ریشه دار بودن استبداد تاریخی قادر به گذار به دوران جدید نیست و محدودیت های پیشین خود را می طلبد.

تمثیل دیگری که با رنگ و بوی سیاسی در دوره پهلوی دوم به چاپ رسید و پس از مدتی با محدودیت چاپ مجدد مواجه شد داستان «ماهی سیاه کوچولو» نوشته صمد بهرنگی است. (بهرنگی، ۳۷۶: ۱۳۸۰-۴۰۰) این داستان که برای کودکان نگاشته شده‌است و مورد ماهی کوچکی است که از تکرار و بیهودگی زندگی روزمره خسته شده است و می‌خواهد آخر جویباری که در آن زندگی می‌کند را ببیند. دیگران با او مخالفت می‌کنند و حتی به مرگ تهدید می‌شود. با اینحال با یاری دوستانش می‌گریزد. در راه حوادثی را پشت سر می‌گذارد: به طور مثال با مارمولکی آشنا می‌شود که خنجر کوچکی را در اختیار او می‌گذارد و زمانی که در کیسه مرغ سقا همراه با چند ماهی دیگر گرفتار شده کیسه را با همان خنجر می‌برد. ماهی سیاه کوچولو سرانجام به دریا می‌رسد اما به وسیله مرغ ماهی خوار بلعیده می‌شود. در شکم ماهی خوار ماهی ریزی را با قلقلک دادن مرغ ماهی خوار نجات می‌دهد و به او می‌گوید: «من تا این بد جنس را نکشم بیرون نمی‌آیم» مرغ ماهی خوار کشته می‌شود اما از ماهی سیاه کوچولو خبری نمی‌شود و نویسنده سرنوشت او را مبهم باقی می‌گذارد.

احسان طبری نیز داستانی تمثیلی به نام «شغال شاه» دارد. این داستان روایتگر اختناق حاکم بر ایران عصر رضا شاه است. زمان داستان ما قبل تاریخ و مکان آن سرزمین «ماکیان» است. ماکیان طعمه شغال شاهند تا این که روزی کلاغی زخمی از سرزمین همسایه به سرزمین آن‌ها می‌آید و در خانه خروسی شجاع ساکن می‌شود. کلاغ پس از بهبودی به آگاه کردن ماکیان‌ها می‌پردازد. خروس شجاع راه کلاغ را ادامه می‌دهد و بر سر آن جان می‌بازد. هنگامی که کشور ماکیان دچار تحولاتی می‌شود شغال شاه از بین می‌رود و زندگی شادی آغاز می‌شود. (رهبریان، ۱۳۹۱: ۲۰)

مرور تمثیل‌های سیاسی دوران معاصر را با داستان «دشنام» نوشته نادر ابراهیمی به پایان می‌بریم: «دشنام» ماجرای سنجابی است که به خاطر دشنام دادن به شیر از جنگل رانده می‌شود و هیچ جا پناهی نمی‌یابد تا عاقبت زیر چرخ گاری می‌رود و می‌میرد. نیاز اتباع به برخوردار بودن از حمایت دولتی و تبعات جانکاه اعتراض و مخالفت با قدرت سیاسی از پیام‌های اصلی این داستان به شمار می‌رود.

## نتیجه‌گیری

تمثیل در ادبیات ایران و جهان یکی از قالب‌های رایج برای بیان مقاصد سیاسی است و دولایگی معنایی آن باعث می‌شود که بسیاری از نویسندگان تندی و تلخی طنز و نقد خود از سیاست و اجتماع را بوسیله آن کتمان کنند. علاوه بر این وجود شخصیت‌های غیرانسانی بر جذابیت، خیال‌انگیزی و قدرت اقتناع این متون برای عامه مردم افزوده است. در طول تاریخ ادبیات جهان موارد متعددی از تمثیل‌ها با اهداف سیاسی قابل شناسایی و بررسی است. فهم دقیق تمثیل‌های سیاسی نیازمند آگاهی از تاریخ سیاسی مؤلفین و الزامات اجتماعی پنهان‌نگاری است. بررسی تطبیقی تمثیل‌های سیاسی در ادبیات جهانی، شباهت و قرابت فوق‌العاده‌ای را منعکس می‌سازد که نشانگر یکسان بودن مشکلات فرهنگ سیاسی در سراسر دنیا است. نکته دیگر آنکه مضامین موجود در تمثیل‌های سیاسی نشان‌گر اهمیت آموزش سیاسی به مردم و طبقه حاکم از سوی فعالان عرصه فرهنگ در ادوار مختلف تاریخ است. به طوری که نویسندگان سراسر جهان فارغ از تفاوت‌های فرهنگی و الزامات سیاسی با استفاده از قالب تمثیل ارتقای سطح فرهنگی جامعه را وجهه همت خود ساخته‌اند. در خصوص بررسی فرهنگ سیاسی توجه به این نکته لازم است که در عصر ماقبل مدرن فضای سیاست به مولفه‌های محدودی متهمی می‌شد. بسیاری از نهادها و مولفه‌های سیاسی دنیای مدرن همچون آزادی بیان، مشارکت سیاسی، تحزب، دموکراسی، حریم خصوصی و غیره اساساً در این دوران اساساً مطرح نیست. چارچوب سیاسی حاکم بر این فضا فاقد پیچیدگی‌های خاص عالم سیاست کنونی است و لذا مفاهیم مطرح شده در ادبیات تمثیلی نیز دایره گسترده‌ای را شامل نمی‌شود. نه نهادها آنقدر متنوع و متکثرند و نه الزامات و نیازهای اجتماعی پیچیدگی خاصی را برمی‌تابند و لذا تمثیل‌های سیاسی جهان قدیم فارغ از الزامات فرهنگی و تاریخی ملل، به لحاظ مضمون با هم قرابت و شباهت فوق‌العاده‌ای دارند. این تمثیل‌ها عمدتاً در مورد قدرت سیاسی و عملکرد درست یا نادرست پادشاه و اطرافیان او شکل گرفته‌اند. همچنین ارتقاء سطح دانش سیاسی مردم از اهداف مهم این تمثیل‌ها به شمار می‌رود.

بررسی متون کتاب‌هایی چون کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه آشکارا نشان‌گر آن است که

نویسندگان از پرداخت تمثیل‌ها بویژه ارتقاء سطح دانش و تعقل پادشاه را در صدر مقاصد خود داشته‌اند. پیام نهانی بسیاری از داستان‌های کلیله و دمنه آموزش سیاسی و فکری راس هرم قدرت در لفافه محافظه‌کاری و بیان غیرمستقیم است. گویی نویسندگان و فعالان سیاسی در دوره‌های گذشته از قالب تمثیل در جهت استیلای عقلانیت و تدبیر در سیاستگذاری‌های کلان حکومتی و تغییر فرهنگ سیاسی هیات حاکمه بهره می‌گرفته‌اند. در داستان‌های ازوپ اما بیش از آنکه طبقه حاکم مخاطب تمثیل‌ها باشند؛ مردم و سطح آگاهی آن‌ها حایز اهمیت بوده است. در یک جمع بندی کلی میتوان گفت که رایج ترین مضمون در تمثیل‌های سیاسی دنیای باستان ارایه آموزش سیاسی به مردم و هیات حاکمه است.

## منابع

۱. اصلانی محمدرضا، (۱۳۸۳)، صادق چوبک (چهره های قرن بیستمی ایران؛ ۱۰)، تهران: قصه.
۲. افسانه ازوپ، (۱۳۷۳)، ترجمه و تحشیه: دکتر علی اصغر حلبی، تهران: اساطیر.
۳. بدیع برتران، (۱۳۷۶)، احمد نقیب زاده، توسعه سیاسی، تهران: قومس.
۴. برقعی، سید یحیی، (۱۳۷۶). کاوشی در امثال و حکم، چاپ سوم، نشر کتاب قم.
۵. بهرنگی، صمد، (۱۳۸۰)، قصه های بهرنگ، چاپ سوم، تهران: سرایش.
۶. بهمنیار احمد، (۱۳۶۹)، داستان نامه بهمنیاری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۷. تقوی، محمد، (۱۳۷۶)، حکایت های حیوانات در ادب فارسی، تهران: روزنه.
۸. ثعزی، عماد بن محمد، (۱۳۵۲)، جواهر الاسمار، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۹. جامی، عبدالرحمن، (۱۳۷۱)، بهارستان، به تصحیح دکتر اسماعیل حاکمی، چاپ دوم، تهران: اطلاعات.
۱۰. جوادی، حسن، (۱۳۵۳)، طنز و انتقاد در داستانهای حیوانات، مجله الفبا، جلد چهارم.
۱۱. حکمت، علی اصغر، (۱۳۶۱). امثال قرآن، چاپ دوم، تهران: بنیاد قرآن.
۱۲. دولافونتن، ژان، (۱۳۸۰). افسانه های لافونتن، عبدا... توکل، تهران: مرکز.
۱۳. رهبریان، محمدرضا، (آذر ماه ۱۳۹۱)، نگاهی به نقش حیوانات در ادبیات، کتاب ماه ادبیات شماره ۶۸ (پیاپی ۱۸۲).
۱۴. زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۵۳)، نه شرقی نه غربی، تهران: امیرکبیر.
۱۵. سعدی شیرازی، (۱۳۶۸)، گلستان، تصحیح و توضیح: غلامحسین یوسفی، تهران: خوارزمی.
۱۶. شچدرین سالتیکوف، (۱۳۵۲). قصه برای بزرگسالان، باقر مومنی، چاپ ششم، تهران: صدای معاصر.
۱۷. شفیعی کدکنی، (۱۳۶۶)، محمدرضا صور خیال در شعر فارسی، چاپ سوم، تهران: آگاه.
۱۸. شمیسا، سیروس، (۱۳۷۶). بیان (ویرایش ۲)، چاپ هفتم، تهران: فردوس.
۱۹. شبیری، قهرمان، (۱۳۸۹)، تمثیل و تصویری نو از کارکردها و انواع آن، فصلنامه علمی پژوهشی کاوش نامه، سال یازدهم، شماره ۲۰.

۲۰. عبد السلام کفافی محمد، (۱۳۸۲). ادبیات تطبیقی (پژوهشی در باب نظریه ادبیات و شعر داستانی)، حسین سیدی، مشهد: به نشر.
۲۱. عبدالله پور چناری، محمد، «روش شناسی اسکینر و تاریخ اندیشه سیاسی» پایان نامه دوره دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شهریور ۹۱.
۲۲. عزب دفتری، بهروز، تحلیل فابل از دیدگاه ل.س. ویگوتسکی، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
۲۳. غازی ملطیوی، محمد، روضه العقول (تحریر دیگر مرزبان نامه)، (۱۳۸۳)، تصحیح و توضیح: جلیل نظری، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
۲۴. فتوحی محمود، (۱۳۸۳)، تمثیل ماهیت، اقسام کارکرد، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی ص ۱۲ و ۱۳. شماره ۴۹-۴۷.
۲۵. فرائد السلوک؛ تصحیح دکتر نورانی وصال و دکتر افراسیابی؛ (۱۳۶۸). تهران: پادزنگ.
۲۶. قوام عبدالعلی، (۱۳۷۳) سیاست های مقایسه ای، تهران: سمت.
۲۷. لغت نامه دهخدا.
۲۸. محسن، رضوانی، (۱۳۸۸). اشتراوس و روش شناسی فهم فلسفه سیاسی اسلام، فصلنامه علوم سیاسی شماره ۲۸.
۲۹. میر صادقی، جمال، (۱۳۸۲). ادبیات داستانی، چاپ چهارم تهران: سخن.
۳۰. نصران... منشی، ابوالمعالی، (۱۳۸۹)، ترجمه کلیله و دمنه، تصحیح و توضیح: مجتبی مینوی طهرانی، چاپ سی و چهارم، طهران: امیرکبیر.
۳۱. نفیسی، سعید، (۱۳۴۴). تاریخ ادبیات روسی تا پایان دوره پیش از انقلاب، تهران: دانشگاه تهران.
۳۲. وراوینی، سعدالدین، (۱۳۷۰). مرزبان نامه، به کوشش خلیل خطیب رهبر، چاپ چهارم، تهران: انتشارات صفی علیشاه.
۳۳. یاد صادق چوبک (مجموعه مقالات)، (۱۳۸۰)، به کوشش علی دهباشی، تهران: نشر ثالث، مقاله بررسی داستان های کوتاه صادق چوبک، دبور میلر مستقل، ترجمه شهلا معصوم نژاد.